

بسم الله الرحمن الرحيم

آموزش قصه نویسی بر اساس منطق کلام / ساختار کلام در انسان

به جهت برگزاری کلاس نویسندگی و قصه‌های حکمت آموز و استفاده در کلاسهای آموزش زبان

برای نوجوانان، جوانان و بزرگترها

فهرست مطالب:

درس اول- شناخت انواع لحن ها

درس دوم- تاثیرات اسم و کلمه

درس سوم: اسمها، کلمات، فعلها

درس چهارم: حرفها و قیدها

درس پنجم: عطف و فصل

درس ششم: جهت

درس هفتم: شرط

مقدمه:

کسی میتواند خوب قصه بنویسد که زیاد قصه بخواند، آنهم قصه های خوب، خوبتر و عالی!

قصه‌هایی که آدم را بزرگ می‌کند، قوی میکند، شجاع و دوست داشتنی می‌کند.

قصه‌هایی که بیزاری از زشتی‌ها و تلاش برای خوب بودن را برایش خواستنی‌تر می‌کند از همیشه...

اگر هر کاری در زندگی باید مقصدی ارزشمند و سطح بالا داشته باشد...

پس مقصد دار شدن، مقاصد سطح بالا داشتن، قصه‌خوان و قصه نویس شدن به قصد عاقل و فهمیده شدن مبارک باشد!

اولین قدم برای قصه‌نویسی می‌تواند تمرین‌هایی برای توصیف کردن شرایط مختلف باشد. توصیف جزئیات یک فضای سرشار از شادی، پر از غم، به هم ریخته، پر سر و صدا یا خیلی آرام و ساکن. اگر حالت‌ها و هیجانهای مختلف برایمان فرق داشته باشد آن وقت می‌توانیم:

- حالتها و هیجانهای خود را بشناسیم و تشخیص دهیم.
- فضاها را با حس و حالهای مختلف را توصیف کنیم.

شناخت انواع لحن:

شما با کدام لحن‌ها بیشتر آشنا هستید؟ لحن شاد، غمگین، تعجبی، خبری، دستوری... دیگر چه؟

یک تفریح علمی برای جمع‌های نوجوان: آیا می‌توانید یک جمله را با لحن‌های مختلفی برای دوستانتان بیان کنید؟ تمرین خوب و شاد است! امتحان کنید. جمله انتخابی شما چیست؟ مثلاً: «کار امروز را به فردا ننداز رفیق» یا ... عبارتی را انتخاب کنید که حرف خوبی باشد و ارزش تکرار کردن را داشته باشد. مثلاً: ناتوان‌ترین مردم کسی است که توان به دست آوردن دوستان را ندارد، و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی به دست آرد و او را از دست بدهد.¹

چطور است که لحن‌ها را بیشتر بشناسیم و مطالبی را با لحنهای مختلف بنویسیم:

لحن تعجبی- این لحن در روبرو شدن با موضوعات خارج از تصور، خیلی خوب، خیلی بد، خیلی جالب و یا تلاش برای غیر معمولی جلوه دادن موضوعات ایجاد می‌شود. وقتی شما می‌خواهید حس و حال طرف مقابل را از معمولی و بی تفاوت بودن در بیاورید، از صداها یا رنگها و حرکتهایی استفاده می‌کنید یا توصیفات و عباراتی را استفاده می‌کنید که فضا را خلاق و متفاوت می‌کند.

تمرین: چند عبارت کوتاه با لحنی تعجبی بنویسید: چطور حس تعجب را در متنها نمایش میدهید؟

سلاام... خوبییییین؟... جدی میگی؟؟

جملات تعجبی: داشتم میرفتم مدرسه، نمیدونی کی رو دیدم!

¹ هر دو عبارت از امیرالمومنین علیه السلام است.

چنان لیز خوردم و کله پا شدم که همه داشتند از خنده غش میکردند!

.....

معمولا عبارتهایی با حال و هوای عجیب و متفاوت را با لحن تعجبی بیان میکنیم و شگفتی مخاطب را برانگیخته می کنند. مثل عبارات خنده دار و خلاق.

تمرین برای نوشتن عبارات عجیب و متفاوت:

همه این بچه ها یک طرف، تو هم همون طرف!

خوش حامل که با آدم فهمیده ای طرفی!

...

....

اگر گفتید که چه چیزهایی یک مطلب را خنده دار می کند؟

لحن امر و نهی: دستور دادن و امر و نهی کردن یکی از ساده ترین انواع کلام و گفتگو است که ما هر روز می گوئیم و می شنویم.

انسان میتواند مرتباً مراحل رشد و پیشرفت را طی کند، اگر که مرتباً در حال یادگرفتن باشد و بخواهد در هر کاری درست ترین و بهترین راه را برود. راه رفتن درست، حرف زدن درست، نشستن درست، یادگرفتن درست و ... نوشتن و خواندن درست و ... بندگی درست خدای بزرگ همه نیاز به آموزش دیدن و یادگرفتن و عمل کردن دارد.

خوشبخت کسی است که دوست داشته باشد: «به او امر و نهی کنند»، و درست و غلط هر راهی را بشناسد و مراقبت کند. برای همین:

1- لازم داریم که گوش شنوا و روحیه حرف شنوی داشته باشیم تا علم و عقلمان با سرعت پیشرفت کند.

یعنی هر نوعی از امر و نهی را اگر مطابق با حق است دنبال کنیم و بخاطر لحن های نامناسب دیگران، دچار لجبازی نشویم.

2- لازم داریم که بتوانیم در ارتباط با دیگران امر و نهی های بهتری داشته باشیم و هر چیزی را نگوئیم.

مثال هایی از امر کردن: برو آن طرف. بنشین اینجا. باید به آن مهمانی بیایی. آن ژاکت را با خود ببر. زود بیا خانه.
مثالهای دیگر:

مثالهایی از نهی کردن: دست به وسایل من نزن. آن را نباید از آنجا برداری. نباید به آن مهمانی بروی. بدون ژاکت بیرون نرو. باز دوباره دیر نکنی!
مثالهای دیگر:

میتوان به جای امر و نهی‌های کوتاه و لج در آور، از توصیف یک ماجرا با جملات خبری استفاده کرد. مثلا:
من ترجیح میدهم به آن مهمانی نرویم، حس خوبی ندارم.
هوا سرد شده، به نظرم خوبست که آن ژاکت را با خود بیاوریم.
چقدر دلم برایت تنگ میشود، وقتی دیر میایی!
میشود به جای امر و نهی محکم، از لحن و حالت سوالی استفاده کرد: واقعا لازم است که به آن مهمانی برویم؟
انگار هوا سرد شده، نظرت چیست که آن ژاکت را با خود بیاوریم؟
مثالهای دیگر:

با خودمان قرار میگذاریم که امر و نهی های درست را به گوش جان بشنویم تا پیامهای راهنمایان دلسوز، به ما برسد. اما خودمان تا حد امکان توصیفی تر و سوالی تر منظور خود را بیان می کنیم تا رغبت بهتری را برای دیگران فراهم کنیم. تواضع خودمان را هم در گفتگو با دیگران بیشتر کنیم. این نوع امر و نهی کردن به لحن خواهش و درخواست نزدیک می شود.

لحن خواهش و درخواست: وقتی که ما از کسی چیزی را درخواست می کنیم و حالت متواضعانه به خود میگیریم، لحن دعا یا درخواست ایجاد میشود. گاهی بزرگترها هم از کوچکترها با لحنی متواضعانه چیزی را درخواست می کنند.

مثال: میشه خواهش کنم آن مداد را به من بدهی؟ امکان داره از خودکار شما استفاده کنم؟ اگر ازت خواهش کنم کمی آنطرف تر بنشینی اشکالی ندارد؟

مثالهای دیگر:

.....

لحن دعایی: وقتی از خداوند درخواستی داریم و یا هر زمانی که با یک انسان کامل و ولی الهی (مثل انبیا یا اهل بیت، علیهم السلام) صحبت می کنیم، لحن دعایی را بکار می بریم. قطعاً در این شرایط لحن ما دستوری نیست. چون دستور حالتی از بالا به پایین دارد. هیچ وقت یک بنده با لحن دستوری به آفریدگار خویش نمی گوید: این و آن را به من بده. بلکه با لحن و چهره ای پر از ادب و تواضع: ای خدایی که همیشه دوستت داشته ام، میشه کمک کنی بیشتر دوست داشته باشم؟

خدایا میشه خواهش کنم مواظبمون باشی تا هممون سالم به مقصد برسیم؟

امام رضا جان، شما که خیلی مهربان هستید، از شما میخوام که باز هم ما را به مشهد و زیارت دعوت کنید.

درخواست از مادرمان حضرت زهرا:

درخواست از پدرمان پیامبر:

درخواست از پدرمان امیرالمومنین:

درخواست از امام زمان عزیزمان (سلام الله علیهم):

...

...

لحن‌های دیگری هم وجود دارند.

بطور کلی در تمامی متن‌ها و گفتگوها، عوامل خاصی باعث انتقال پیام به مخاطب است:

نوع کلماتی که استفاده می‌شوند، حالت صدا، حرکات چهره و بدن و حتی دعاهایی که در دل می‌کنیم و اخلاق و صفاتی که داریم تاثیر دارند.

ممکن است حرف خوبی را با لحن بدی بگوییم و مخاطب از ما رنجیده شود.

ممکن است دلسوزی و مهربانی خود را با کلمات نازیبایی بیان کنیم و کسی احساس دلسوزی ما را درک نکند.

ممکن است حرف‌های ساده‌ای بر زبان آورده باشیم، اما از خدا بخواهیم که منظور ما را به بهترین شکلی به طرف مقابل برساند و دل او را نرم و همراه کند.

می‌توانیم دل خود را پر از خیرخواهی و مهربانی و ایمان کنیم و هرگز دچار بدبینی، کینه، بدخواهی، لجبازی و بی‌محلی نباشیم تا کلماتی که بکار می‌بریم پر از نور و پیام‌های دوستانه باشند و به دل دیگران بنشینند.

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها از ره پنهان صلاح و کینه‌ها

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: ما اضر احد شیئا... کسی چیزی را در دل مخفی نمی‌کند مگر اینکه در لغزش‌های کلامش و حالت‌های چهره‌اش آشکار می‌شود!

تمرین- در گفتگوهای روزانه خود با دیگران بیشترین لحن‌هایی که به کار می‌بریم را پیدا کنیم،

برای هر لحنی بتوانیم مثال‌هایی بزنیم،

و بعضی از صحبت‌ها را با لحن‌های مختلف امتحان کنیم.

لحن شاد و شنگول: چه دختر نازیه همش فکر بازیههههه (😊) شما هم مثالهایی را بنویسید:

...

لحن تشویق: طیب طیب الله احسنت بارک الله!

...

لحن غمگین:

...

لحن بی حال یا خسته:

لحن عصبی: اگر یکبار دیگر این کار را تکرار کنی، دیگر جوابت را نمی‌دهم.

...

...

لحن دلسوزانه: آخی چی شد؟ بیا کمکت کنم بلند بشی و دیگر نیفتی زمین.

...

...

لحن‌های قرار دادی (با صدا یا اشاره بین دو نفر یا یک گروه) برای انتقال پیامی خاص:

...

بسم الله الرحمن الرحيم

درس دوم- تاثیرات اسم و کلمه:

جملات و متن‌ها از کلمات تشکیل میشوند و تک تک این کلمات نقش مهمی دارند و جا دارد که به خوبی انتخاب شوند. کلمات هر کدام معنایی دارند و از فرهنگ و سرزمینی رویش پیدا کرده‌اند. لذا می‌خواهند که ما را با خودشان به دنیای همان فرهنگ ببرند. کلمه ای که پاکیزه است از دنیای پاکیزگان آمده و کلمه ناپاک هم از سرزمینی ناپاک سربرآورده است. برای تمرین درباره کلمات از اسم می‌توانیم شروع کنیم.

اسم- از اسمهای اشخاص مثل اسم خودمان تا اسم کارهای خوب، وسایل و اشیا، زمین و آسمان و... اسم انبیا و اهل بیت و خوبان عالم... هر کدام عامل توجه به سمت و سوی می‌شوند.

تمرینات امروز: اگر مایلید که خودتان را بهتر بشناسید، چند تمرین زیر را داشته باشید.

با نوشتن اسم خودتان جمله مقابل را کامل کنید: اسم من است. معنی آن:

و صفات خوب من:

.....

اسم مادر من: و معنی آن:

صفات خوب ایشان:

اسم پدر من: و معنی آن:

صفات خوب ایشان:

اسم بهترین کتابهایی که خوانده ام: ...

اسم بهترین کارهایی که بلام انجام بدهم:

اسم چیزهایی که دوست دارم هر روز ببینم و بشنوم:

 و حالا قهرینی برای خود شناسی:

من کی هستم؟

من چی نیستم؟

چه اسم ها و کلمه هایی در زندگی من بیشتر جریان دارد؟ مثلا: مهربانی کردن، اهل هنر بودن، ..

چه اسمهای خوب دیگری بهتر است در زندگی من وارد شوند؟ چرا؟ پرکار بودن، پر حوصله بودن، کتاب های خوب و مفید مثل: ...

اسم دوستانی که فهمیده و با اخلاق هستند: اسم خوردنی هایی که پر فایده تر هستند:

چه اسمهای نامطلوبی در زندگی من نیست یا نباید باشد؟ دروغگویی، بی تفاوتی، انواع بازی های بی حاصل، انواع عاداتهای نامطلوب....

چرا این اسم ها نباید باشد؟

اسمها و کلماتی که میشود با آنها به خدا نزدیکتر شد؟ کدامها هستند؟

برای شروع نویسنده‌گی: جملاتی را درباره خودتان و برخی از اسمها و کلمات بالا بنویسید: (هر کدام که مایل هستید به انتخاب خودتان)

اسمهایی که آدمها را از خدا دور می‌کنند و به سمت جهنم می‌برند کدامند؟

توهین کردن و حرفهای زشت زدن کدام مسیرها را باز می‌کند؟ دوستی های بیشتر، موفقیت‌های بیشتر یا ...؟

اگر کسی به ما توهین کند کار خوبی کرده؟ آیا ما هم اجازه داریم که به خاطر اشتباهات دیگران، کلمات زشت را بر زبان بیاوریم و چهره خود را زشت کنیم؟ چطور است که از این نوع کلمات اسمی نیاوریم!

تمرینهایی برای دیدن و شنیدن اسمها و کلمات خوب و نوشتن- در فضای طبیعت:

- به طبیعت برویم و اطراف را خوب ببینیم و بشنویم.
 - اسم های مختلف حیوانات و گیاهان را که می‌شناسیم با خود مرور کنیم و درباره آنهایی که نمی‌شناسیم کمی تحقیق کنیم.
 - چشمانمان را ببندیم و به صداهای اطراف و خصوصا انواع پرندگان توجه کنیم. با هر صدایی چه پیام‌ها و کلماتی را می‌شنویم؟
 - قسمت‌هایی از خاک و سنگ و آب و گلها و درختان و را لمس کرده و با لحن دعایی و گاهی همراه با شادی و هیجان از آنها به زیبایی و نیکی یاد کنیم.
- به صورتی با طبیعت یا اشیای اطراف برخورد کنیم که انگار اولین بار است آنها را دیده ایم و پدیده‌هایی که قبلا دیده ایم را دوباره و دوباره ببینم، تا حقیقت های تازه‌ای که برایمان بیان می‌کنند را بهتر درک کنیم.
- حالا وقت این است که گوشه‌ای بنشینیم و از این همه درس و پیام، مطالبی را بنویسیم.
- چه چیزهایی را امروز دیدیم؟ چه اسمهای تازه‌ای را یاد گرفتیم؟

لحن هر کدام از آنها چطور بود؟ (یعنی چه حسی را در ما ایجاد می‌کرد؟ شادی، تعجب، آرامش، ...)

پیام‌هایی که دریافت کردیم را با لحن‌های مختلفی بیان کنیم. مثل: لحن شاد و با نشاط، لحن توصیفی و خبری، لحن سوالی، لحن دعا و درخواست، لحن تعجب، لحن امر و نهی..

اگر ما یک پرنده، جویبار زلال، درخت، گل، زمین یا ... بودیم چه می‌کردیم؟

تعدادی از اشیای موجود در آن محیط را با خود به منزل آورده و با آنها کاردستی تازه‌ای بسازیم. کاردستی درست کردن بچه‌ها با بزرگ‌ترها حتماً فرقهایی دارد، وقتی که درست کردید فرقه‌های آن را مشاهده و یادداشت کنیم.

یکی از تمرین‌هایی که نوشتن و تفکر ما را هم‌زمان تقویت می‌کند، تمرین برای حدس زدن کاربردهای اشیای مختلف است. مخصوصاً اشیایی که کمتر با آنها آشنا هستیم. چند تا از وسایلی که برای مقاصد خوبی ساخته شده‌اند را انتخاب کرده و برایش بنویسیم. این تمرین توان «عاقبت‌نگری» ما را فعال می‌کند:

اسم این شیء یا وسیله: است برای این ساخته شده که:

اسم این شیء یا وسیله: است برای این ساخته شده که:

عاقبت‌نگری یعنی دقت کنیم که هر چیزی را خداوند برای هدف ارزشمندی خلق کرده و ما هم از هر چیزی که استفاده می‌کنیم باید برای هدف مقدسی باشد. همچنین هر کاری که می‌کنیم باید برای نیت‌ها و دلیل‌های با ارزشی باشند. اگر وسایلی را می‌بینیم که هدف ارزشمندی برایشان پیدا نمی‌کنیم، از آنها فاصله بگیریم و در برنامه زندگی خود قرارشان ندهیم.

 گفتگوهای کاملاً کاربردی:

چه مطالبی در این تمرینات به ما اضافه شد و چه زندگی تازه‌ای بعد از این خواهیم داشت؟
کلمه‌های طیب یا خبیث، اسمهای ارزشمند یا فاقد ارزش را چطور در اطراف خود شناسایی کنیم؟ عکس‌ها... خوردنی‌ها... آمد و رفت‌ها... ،

آیا می‌توان با خارج کردن هر اسم و کلمه نامطلوب از زندگی، به سمت انواع حال خوب و فکر خوب و تصمیم‌های خوب حرکت کرد؟ ما از کجا شروع کنیم؟ خیلی جزئی و مشخص:

تمرین‌هایی برای زندگی

- بکار بردن اسم‌های انبیا: یوسف، سلیمان، یونس، ابراهیم... را در زندگی وارد کنیم، از انبیا و اهل بیت علیهم السلام بخوانیم و بگوییم و به رفتارهای آنها، کلماتشان، دعاهایشان و ... بیندیشیم. **دعای حضرت ابراهیم: رب انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع لیقیموا الصلوه...**
- زندگی با اسم‌های طیب: زنبور عسل.. افعال و روابط طیب: دوست داشتن- برادری-...
- زبان فارسی را که زبان حکمت و معرفت و برادریست حفظ کنیم و نگذاریم فرهنگ لغات انگلیسی به فکر ما وارد شود.
- کلمات قرآنی مثل رحمت، مودت، اخوت و امت‌سازی را مصرف کنیم.
- اسم‌های بهشتی مثل تین رمان جنات انهار نمل نحل.. اسم سوره‌ها را گاهی مرور کنیم و بشناسیم.. حتی اگر شده مروری کوتاه بر سوره‌ها گاهی داشته باشیم. مرور موعظه‌های حضرت لقمان و فعل‌های مهم قرآنی مثل هدایت، احسان، نورانی شدن، نیکو سخن گفتن، چونکه مصدرها هم نوعی اسم هستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

درس سوم: اسمها، کلمات، فعلها:

میدانیم که گفتگوها، قصه ها و تمامی ارتباطات ما انسانها از طریق کلمات است. کلماتی که گاهی اسم اند، فعل اند یا حرف.

به نظر شما چه چیزی بعضی گفتگوها و کلمات را دوست داشتنی میکند؟ و چرا بعضی را اصلا دوست نداریم؟

.....

انتخاب کلمات؟ چگونگی به کار بردن آنها و چیدمان آن؟ لحن و حالتی که آن را بیان میکنیم؟ بله بلهههه همه را درست گفتید.

میدانید که ورود هر کلمه جدید به زندگی چه دنیایی را با خود می آورد؟

یادتان هست اولین کلماتی که شناختید کدامها بودند؟ ماما... بابا... بخور... دست دست... بخواب... غذا...


بعضی از این کلمات، اسم هستند و بعضیها به شکل فعل یا مصدر ظاهر میشوند، مثل خوردن، دیدن، رفتن...

دنیای شما از چه زمانی قشنگ تر شد؟ با ورود کدام اسمها و کلمات؟ شکلات؟ میوه؟ مهمانی؟ جشن تولد؟ عزیزم و

جانم کردنهای مادر و پدر و اطرافیان؟

بازی؟ پریدن؟ بغل گرفتن؟ پارک؟

کدام کلمات را دوست نداشتید که در زندگیتان باشد؟ خواب؟ دور شدن مامان؟ غذاهای بدمزه؟ اخم؟ دعوا؟ دست نزن؟ ...

میتوانید برای گروه کلماتی که دوست داشتید قصه کوتاهی بنویسید؟ 

برای گروه کلمات دوم چطور؟

آیا می‌توانید چند اسم و کلمه دوست داشتنی و پاکیزه را مثال بزنید که دنیای امروز شما را بهتر کرده است؟

به نظر شما اگر دوستانتان چه کلماتی را به زندگیشان راه نمی‌دادند، زندگی بهتری می‌کردند؟ (آنها را بنویسید تا کتاب شما پاکیزه‌تر بماند)

آیا موافقید که یک اسم می‌تواند اسم‌ها و فعل‌های زیادی را با خود بیاورد؟ مثال: «لوبیا» می‌تواند قرمه سبزی بسازد و قرمه سبزی نیاز به پختن دارد، از خریدن و شستن سبزی و گوشت و .. تا خرد کردن و قرار دادنش در قابلمه و ریختن آب

و ادویه و نمک و خیلی اسمها و فعلهای دیگر ... صبر کردن برای پخته شدن... .. تقدیم کردنش به اهل بیت علیهم السلام...
و قوت گرفتن همگی برای خدمت های بهتر و بیشتر...

شما هم از این مثالها دارید؟ کلمه خوش اخلاقی، چه کلمات دیگری را با خود میاورد؟ چه پیش نیازهایی دارد؟ چه
کلمات همراه... و چه پیامدهایی؟

آیا اسمها و فعلهایی که به دنبال یک کلمه خوب و مفید می آیند با اسمها و فعلهایی که کلمات غیر مفید با خود می آورند
شبيه اند؟

بیايد دو کلمه را در این زمینه با هم مقایسه کنیم:
با شنیدن کلمه «بالفضل» یاد چه اسمها یا فعلهایی می افتید؟

با شنیدن کلمه «حوصله نداشتن» یاد چه اسمها یا فعلهایی می افتید؟

با مداحی ها و موسیقی های مفید و حلال... یا موسیقی ها و گروه های رقص حرام چگونه؟

حالا وقت این است که یک اسم منفی را ببریم بالای درخت و از آنجا وصلش کنیم به اسمها و فعلهایی دوست داشتنی.
چطوری؟ ... اینطوری:

روزی مردی از نزدیکی یک آبادی می‌گذشت، دختر نوجوانی را دید که پوشش مناسبی نداشت و بسیار توجهش به او جلب شد. همین موضوع باعث شد که او را تعقیب کرده و شب‌هنگام از دیوار خانه آنها بالا رود تا باز هم او را ببیند و نقشه‌ای برای آزار و اذیت او بکشد. در این هنگام صدای مردی بلند شد که در خانه در حال تلاوت قرآن بود و به این آیه رسید:

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ آیا وقتش نرسیده تا کسانی که ایمان آورده‌اند، دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم شود و مانند آدم‌های قبلی نباشند که به آنها کتاب داده شد و عمری طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان سخت شد و بسیاری از بدکار بودند؟»

فضیل تحت تأثیر این آیه قرار گرفت تا جایی که مدام می‌گفت: «بَلَىٰ وَ اللَّهُ قَدْ آنَّ، بَلَىٰ وَ اللَّهُ قَدْ آنَّ؛ بله، وقت آن رسیده است. الان موقعی است که قلبها خاشع و نرم شوند»

بنابراین از دیوار بام پایین آمد و به خرابه‌ای رسید که جمعی از کاروانیان آنجا بودند و برای حرکت به سوی مقصدی، با یکدیگر مشورت می‌کردند. آنها با همدیگر می‌گفتند: فضیل، و دارودسته او در راهند، اگر برویم راه را بر ما می‌بندند و ثروت ما را به غارت خواهند برد! فضیل، تکانی خورد و خود را سخت ملامت کرد. گفت: چه بد مردی هستم! این چه شقاوت است که به من رو آورده است؟

روی به سوی آسمان کرد و با حالت توبه گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْتُ تَوْبَتِي إِلَيْكَ جِوَارَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ...» (خداوندا من به سوی تو بازگشتم و توبه خود را این قرار می‌دهم که پیوسته در جوار خانه تو باشم. خدایا از بدکاری خود در رنجم، و از ناکسی در فغانم، درد مرا درمان کن، ای درمان‌کننده همه دردها! و ای پاک و منزّه از همه عیب‌ها! ای بی‌نیاز از خدمت من! و ای بی‌نقصان از خیانت من! مرا به رحمت ببخشای، و مرا که اسیر بند هوای خویشم از این بند رهائی بخش»

«فضیل» که یکی از راویان معتبر، از احادیث امام صادق (علیه‌السلام) و از زاهدان معروف، معرفی شده است، در پایان عمر، در جوار «کعبه» می‌زیست و همان جا در «روز عاشورا» از دنیا رفت. او همان راهزن خطرناکی بود که مردم از او وحشت داشتند.

«سفینة البحار» ص 369 و جلد نهم کتاب «روح‌البیان» ص 365